

✓ حکمت باقی و نعمت فانی

ثعلبی، از شعرای پایتخت منصور، خلیفه، بود. روزی قصیده‌ای بلند ساخت به امید صله، نزد خلیفه رفت و بر او خواند و درجه قبول یافت. منصور گفت: «کدام دوست‌تر داری: آن‌که تو را سیصد دینار سرخ دهم یا سه کلمه آموزم که هر یکی با صد دینار سرخ برابر است؟»

ثعلبی بنا بر خوش‌آمد سلطان، گفت: «حکمت باقی به از نعمت فانی!»

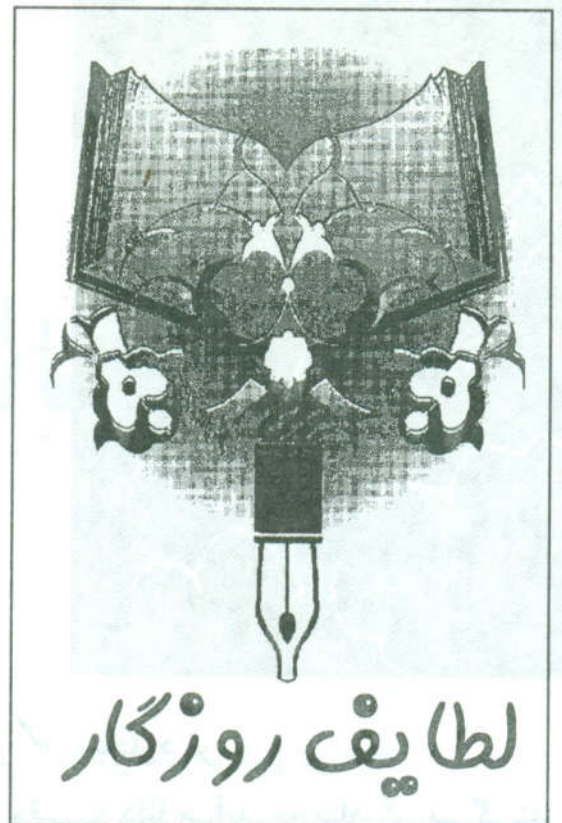
خلیفه گفت: «کلمه اول آن‌که چون جامه تو کهنه گردد، کفش نو می‌پوش که بد نماید.» گفت: ای وای که صد دینارم سوخت.

منصور تبسمی کرد و گفت: «کلمه دوم آن‌که چون روغن در ریش خود سایی به زیر ریش مرسان که گریبان را چرپ کند.»

گفت: دریغ که دویست دینار تباه شد. خلیفه باز تبسمی کرد. خواست تا کلمه سوم را بگوید، اما ثعلبی پیش‌دستی کرد و گفت: «ای خلیفه روزگار، تو را به عزت پروردگار که حکمت سوم را ذخیره نگه‌دار و صد دینار سوم را بده که برای من از حکمت شنیدن هزار مرتبه مفیدتر است.»

خلیفه سخت بخندید و گفت تا پانصد دینار سرخ به او بدهند.

به نقل از: دوهفته‌نامه صنوف، ش. ۷۳ (سی‌ام فروردین ۱۳۷۷)، ص ۹، با تصرف



✓ طول حکومت

طولانی‌ترین حکومت در طول تاریخ، مربوط به یک فرعون از فراعنه به نام «پپی دوم» است که ۲۲۸۰ سال پیش از میلاد مسیح می‌زیسته است. وی در سن ۶ سالگی بر تخت سلطنت نشست و پس از ۹۴ سال حکومت در سن ۱۰۰ سالگی در گذشت.

کوتاه‌ترین حکومت نیز مربوط به فرمانده «لوئی فیلیپ» پرتغالی است که در سال ۱۹۰۸ میلادی فقط به مدت ۲۰ دقیقه بر تخت سلطنت جلوس فرمود! زیرا درباریان ریختند و پس از مضروب کردن او، وی را به قتل رساندند.

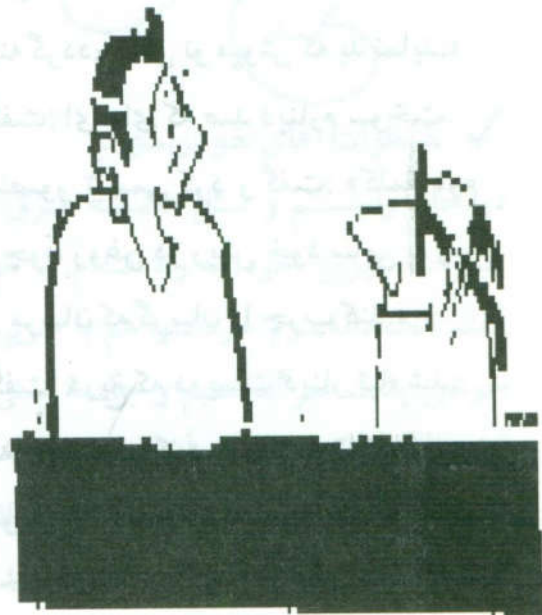


✓ سیاحت

سیاح بعد از این که ورقه هتل را پر کرد، ساعت غذا را از صاحب هتل پرسید. صاحب هتل جواب داد: صبحانه از ساعت هفت تا یازده و نیم، ناهار از ساعت دوازده تا چهار بعد از ظهر و شام از ساعت شش تا ده و نیم صرف می شود! در این موقع سیاح با قیافه غمناکی به زنش گفت: پس اصلاً به ما فرصت نمی دهند که شهر را ببینیم!

✓ بیچاره مرد!

وقتی به دنیا می آید، به مادرش می گویند: بارک الله پسر زاییده! وقتی به مدرسه می رود، درس می خواند و قبول می شود، می گویند: از زحمت مادرش است. وقتی تلاش می کند و خدمتی به اجتماع می نماید، می گویند: رحمت به شیری که خورده ای؛ از زحمت مادرش است. وقتی بیمار می شود و درد می کشد، می گویند: بیچاره مادرش چه حالی دارد! وقتی ازدواج می کند، می گویند: چه زنی خوبی قسمتش شده، چه عروسی! وقتی خانه و ثروتی به هم می زند و سر و سامانی به زندگی اش می دهد، می گویند: از قدم زنش است!! وقتی می میرد و دست از جهان می شوید، می گویند: بیچاره زنش، خدا صبرش دهد!



✓ دروغ

از دروغ گویی پرسیدند: هرگز راست گفته ای؟ گفت: اگر گویم آری، دروغ گفته باشم! «به نقل از: م. خرداد، گنجینه لطایف»